

Mostafa A. Fahmy  
Avocat  
46; Rue Sherif Pacha le Caire  
Egypte

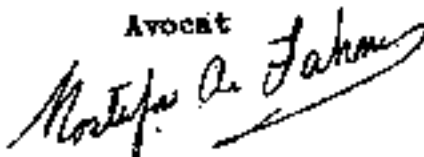
Le Caire 2 Decembre 1953

Dr. Mohamed Mosadik

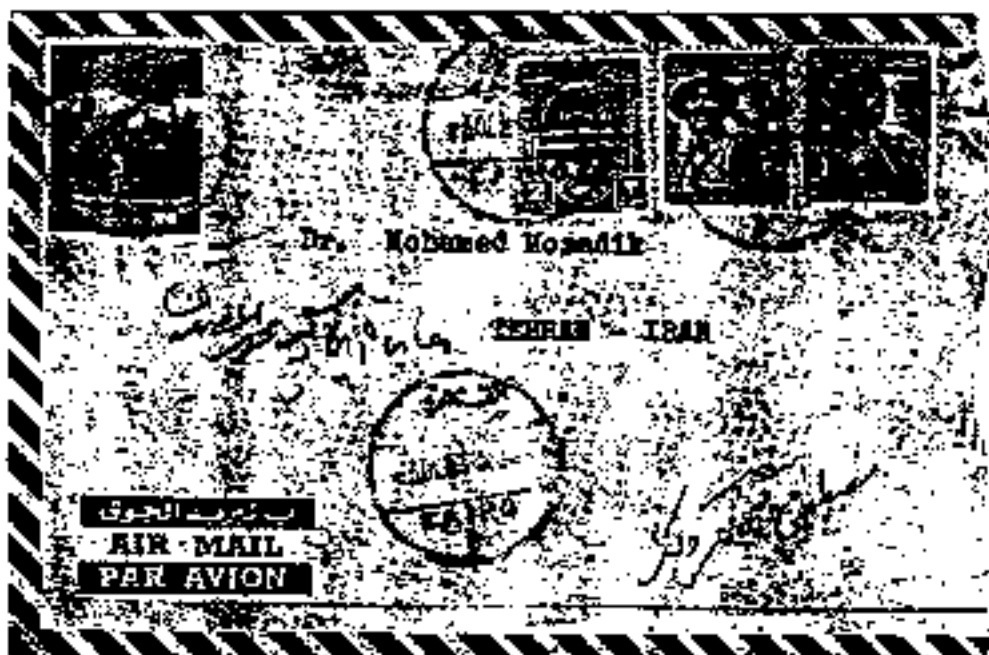
Les hommes libres de tous les pays estiment votre fidelite' envers votre patrie et vous considerent comme le plus grand exemple du patriotisme. Nous prions Dieu de vous donne' la victoire.

Nous sommes pret d' avoir l' honneur de vous defendre.

Avocat



Membre de la mission de Faculte' au droit du Caire a Tehran  
Fevrier 1952



S. Kadiresan

Ramakrishna & Co,  
205, Sea Street  
Colombo  
Ceylon., 9.12.53.

To. Dr. M. Mossadeq,  
Expremier of Persia  
Teheran., Persia.

Dear Dr. Sir,

Your endeavours towards  
your country were reasonably enviable;  
they would be golden-lettered in the  
heart of Infant Asia.

You are a rare but natural  
Dynamite well-calculated against  
the wrecklessness of Encroaching  
Bar-gainers; but an un-challengeable  
Deliverer to your long-deceived country-  
men, now facing an acid test at the  
hour of returning their 'Thanks giving':  
that is but your due.

Yours sincerely,  
S. Kadiresan

بیوست شماره ۷

CORDOBA, 9 de noviembre de 1933

Señor IGNACIO LOSSADEGH

TEHERAN

Estimado señor:

Por medio de los diarios y de las noticias internacionales conozco su actuación como gobernante y estoy también informado de la tremenda conmoción que causa sobre Ud. frente a un Tribunal que lo juzga en estos momentos. La defensa patriótica de los intereses del territorio de Teheran es la base de la acusación y como argentino lamento profundamente que un hombre como Ud., esté en semejante situación por el solo hecho de haber defendido su país de la voracidad extranjera.

Nosotros los argentinos tuvimos hace años nuestro Mosadegh, á sea nuestro gobernante Hipólito Irigoyen que por defender así mismo los intereses argentinos, especialmente nuestro petróleo, fue combatido desde el exterior, y luego batido del gobierno, perseguido, acusado ante la Justicia y por fin lo mataron sus enemigos. No sabe como siento al saber que Ud., Lossadegh, el hombre que sabe cuadrarse como un patriota frente a los extraños que corren con la riqueza que no les pertenece, está en el banquillo de los acusados. Irigoyen fue abatido, comedido, pero después los argentinos hemos comprendido que este hombre verdaderamente argentino, tenía razón; tal es así, que sus mismos enemigos reconocieron más tarde, tarde lamentablemente, que era un hombre justo y un gobernante honrado. Algún día, sea cual fuere la decisión del Tribunal de Teheran, sucederá lo mismo con Ud., pues la historia siempre recoge de los hombres sinceros las virtudes de los otros para que la justicia sea realmente justa.

Pido a Dios ilumine a los jueces del tribunal para que no se equivoquen en sus sentencias y que Dios proteja su vida, Mosadegh, patriota que desde la Argentina merece por su ejemplar existencia, porque hombres como Ud. hacen falta en estos momentos de confusión.

Atentamente.

E. J. BOSZO-COSTA - JUNIOR  
CALLE BELLAVERDE 77 CORDOBA  
REPUBLICA ARGENTINA.

کوردوا ( شهر سوم ارژانتین )

۹ نوامبر ۱۹۵۳

آقای محمد صدق تهران

آقای عزیز

بوسیله جراید و اخبار بین المللی از رفتار شما به عنوان حکومت و همچنین از اتهام فوق العاده ای که به شما نسبت می‌دهند مبهوت شدم . موضوعی که عملاً تحت معاکه قرار گرفته و اساس اتهام می‌باشد دفاع وطن پرستانه شما است که از خاک ایران کوره اید . از نظریک نظر ارژانتین بسیار متأسف هستم که مردی مثل شما صرفاً برای اینکه در مقام دفاع از خالق وطن و هم میهنانش در مقابل خارجیها بوده است در جنبش موعبتش قرار گرفته است .

ما ارژانتینیها نیز سالها قبل صدق خود را کمی پولی تو ... ای - ری کوزن می‌دانستیم او هم شما از مناقع ارژانتین و مخصوصاً از نفت ما دفاع میکرد ولی خارجیها او را زمین زدند و بلافاصله بعد از اینکه حکومت او را سا قتل کردند او را تعقیب و در مقابل دادگستری او را مشهم نمودند و بالاخره نیز دشمنان او او را کشتند . نعیادتید جغد رمن تا "سنا بشهورم" که مبهوت شدم که شما صدق آن مردی که توانست از وطن خودش در مقابل خارجیها اینکه با ثروت ملککش تجارت بیکردند بچنگد حالا روی نیمکت شهین قرار گرفته است .

ای - ری - کوزن را بطوریکه گفتم کشتند ولی بعد از آن ما ارژانتینیها فهمیدیم که مرد ارژانتینی واقص حق داشت و راست میگفت . بقدری این مسئله ثابت شد که حتی دشمنان او هم بعد ها ولی متأسفانه خیلی دیر فهمیدند صدیق کردند که حکومت او حکومت با شرافتی بود . يك روزی هم هر چه تصمیم بحکمه تهران امروز باشد همین اتفاق برای شما خواهد افتاد زیرا تاریخ همیشه معاهد مردمان درست و سیهجریست را جمع آوری و ضبط کرده است برای اینکه عدالت صدق پیدا کند همین طور هم باید باشد . از خداوند درخواست میکنم که ذهن قضات محکمه را کاملاً روشن کند که مرتکب اشتباهی در تصمیمات خودشان نگردند . خداوند جان شما را ای صدق میهن پرست محافظ کند . این دعائی که از ارژانتین ما میکنیم باین منظور است که زندگانی چوبه سر مشق شما برای همیشه حفظ بشود زیرا اشخاصی مثل شما در این روزگار آشفته خیلی کم پیدا میشوند . با نهایت احترام

۱ - ۳ - پوسو - کوستا - روز نامه نیوس

شماره ۷۷ خیابان ان دارتم - کوردوا

جمهوری ارژانتین .

Handwritten Persian text, likely a recipient name or address, written in a cursive style.

SR.  
COMPTON

COMPTON H. J. O'NEIL

MEMBER

Handwritten Persian text, possibly a sender's name or address.



Handwritten Persian text and a circular postmark stamp located in the bottom right corner of the envelope.

ANSALDO

Monsieur l'ambassadeur

Je vous prie, Excellence, de vouloir accepter les expressions de ma dévotion pour Vous et pour l'œuvre de votre gouvernement. Dans cette heure grave, où non seulement votre idéal, mais votre même personne sont en danger mortel je sens monter de mon cœur jusqu'à mes lèvres et à ma plume l'exigence humaine de vous manifester mon attachement particulier et celui de millions d'Italiens pour la grandeur de votre politique et l'audace de votre conduite devant le tribunal qui veut vous condamner.

J'ai dit qu'il y a millions d'Italiens qui exaltent votre nom, Excellence : et c'est vrai. Car sur les journaux démocratiques de mon pays, dans ces jours, votre photographie comparait identique et montre à tout le monde la noblesse vénérable de votre visage ; et millions de lecteurs suivent avec anxiété sur les colonnes de ces journaux les étapes du procès, dont vous êtes la magnifique victime. Je ne sais pas quel sera l'exit de cette pesante manœuvre à votre détriment, Je vous dit que vous avez vaincu, monsieur le docteur. Vous avez vaincu dans l'âme des vrais iraniens, justement comme dans l'âme des vrais italiens et des vrais démocratiques

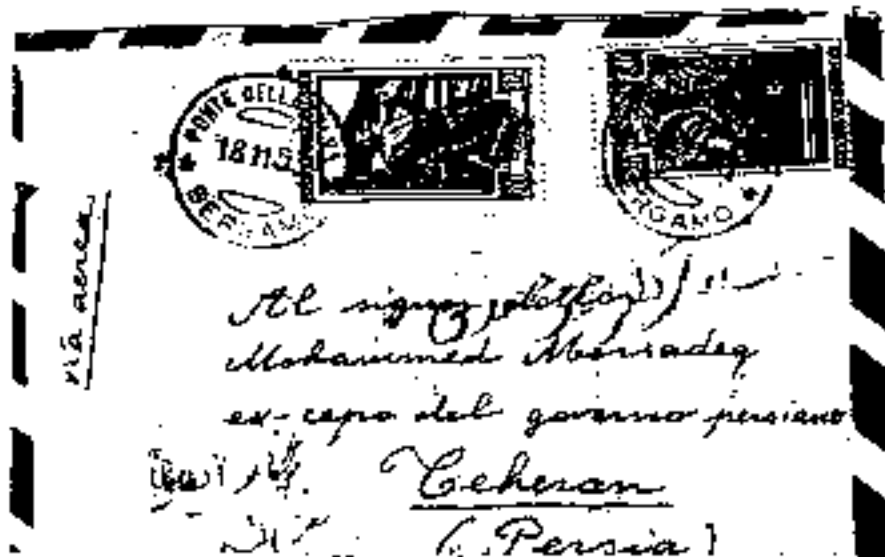
de tous les continents. Je vous assure que je ne vous oublierai jamais et, si un jour je pourrai faire entendre ma voix autour de moi, j'indiquerai en vous, monsieur Mossadeq, un ravissant héros du progrès, de la liberté constitutionnelle et de l'unité nationale de l'Iran. dommage qu'au présent je ne sois qu'un inconnu docteur en philosophie et que je ne puisse rien faire pour alléger le poids de votre amertume! La faiblesse de ma position actuelle est si accentuée encore, au point que j'ignore si <sup>(parfois)</sup> mes adresses, pourront arriver jusqu'à vos yeux et à vos oreilles. Moi-même, je vous écris d'une voix de santé, si je me trouve pour guérir de la tuberculose.

Que vous puissiez vivre, mon cher docteur! Cela est mon souhait. Cela est le souhait, que je suis sûr d'interpréter, de tous les hommes justes et qui ont foi dans le progrès humain.

Qu'il vous agréer, Excellence, mes salutations et mes compliments les plus vifs.

Votre ami docteur Andrea Frisching.

Grappino, Villa di Egna, it 14-11-53.



پوست شماره ۹

With Best Wishes  
for  
Christmas and the New Year  
from  
R. R. Stokes

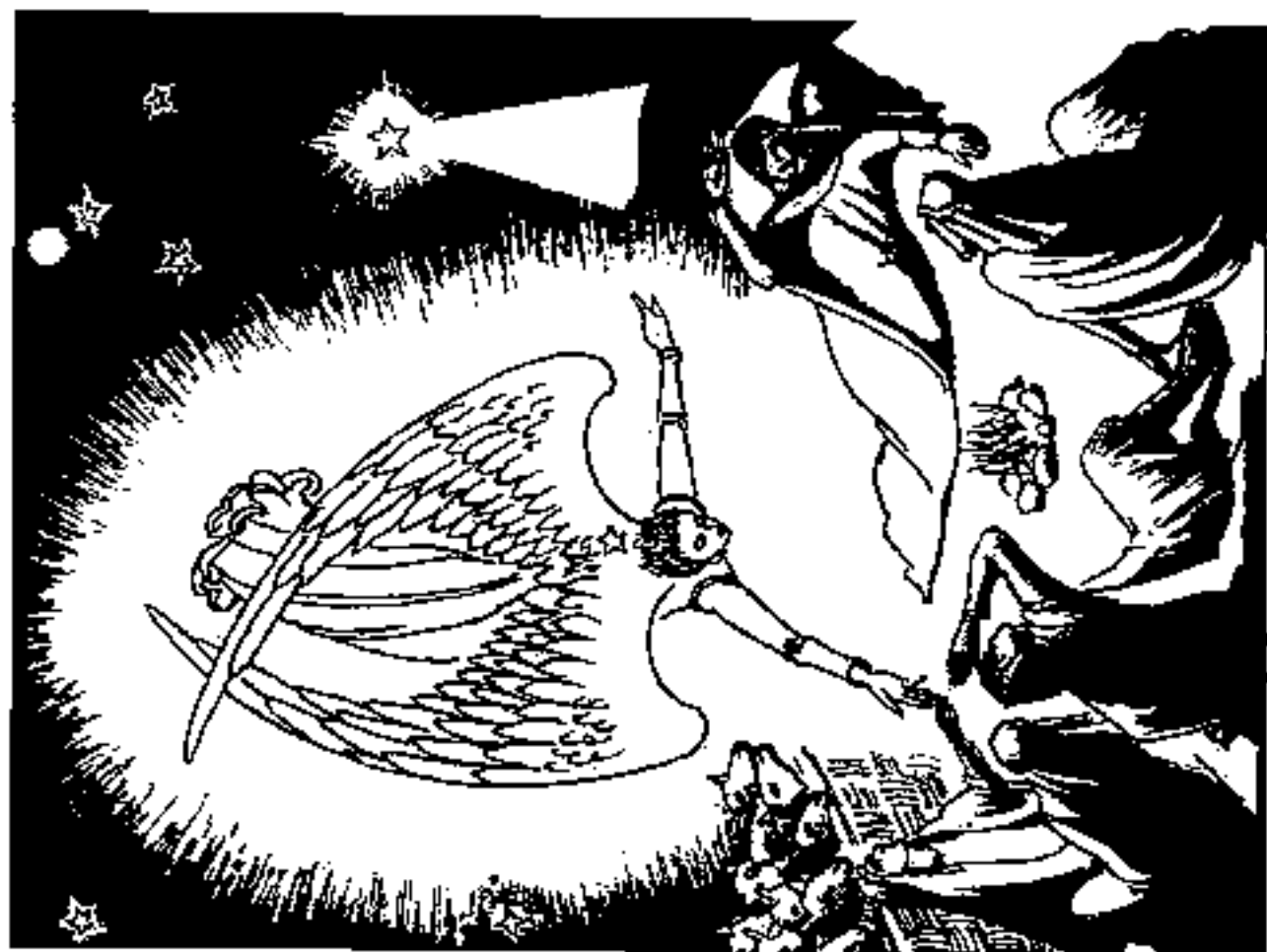
And may Your Country see peace and  
prosperity in 1954.

Yours sincerely  
R. R. Stokes

CHRISTMAS 1954

By Palace Street  
Woolwich S.E.1

19







Druckerei

SCHACHT & CO.

ERZENHANDELSBANK



Herrn vorjaligen Ministerpräsidenten

Dr. Mohammad Mossadegh und Gemahlin

Tschern / Iran

Beste Glückwünsche

ZUM NEUEN JAHR



## در فاصله دو دادگاه

### تعیین وکیل و لایحه اعتراضی

در سی ام آذرماه ۱۳۳۲ دادگاه بدوی فوق العاده نظامی پس از ۳۵ جلسه محاکمه، حکم محکومیت سه سال زندان مجرد برای دکتر محمد مصدق را صادر و ابلاغ نمود. دکتر مصدق در ذیل صورت جلسه پایانی هنگام رؤیت رأی دادگاه به استناد لایحه قانونی ۱۶ فروردین ماه ۱۳۳۲ که براساس اختیارات قانونی او به تصویب رسیده بود تقاضای فرجام کرد.

در نوزدهم فروردین ماه ۱۳۳۳ اولین جلسه دادگاه تجدید نظر نظامی به منظور رسیدگی به رأی محکومیت ناشی از وقایع ۲۵ - ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تشکیل شد و در ۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۳۳ پس از ۲۶ جلسه حکم بدوی را تأیید کرد.

برای تهیه مدارک در فاصله زمانی این دو دادگاه فعالیتهایی می بایستی انجام گیرد و اطلاعاتی از دستگاههای دولتی کسب گردد<sup>۱</sup>

مصاحبههایی صورت می گرفت و تهمتهایی به دکتر مصدق و دولت دکتر مصدق می زدند که دکتر مصدق نمی توانست بلاجواب گذارد. با قیدی که او در دفاع و رد اتهامات داشت که باید متکی به دلایل و اسناد غیر قابل خدشه باشد.

برای تهیه اسناد و مدارک می بایستی به عوامل دولتی در ردههای بالای حکومت او مراجعه می شد و چون پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ عده ای از یاران و همکاران دکتر مصدق مانند مهندس جهانگیر حق شناس، مهندس زیرک زاده، مهندس حبیبی پنهان شده و بقیه را بازداشت کرده بودند اجرای این وظیفه یا مشکلات بسیار مواجه بود.

مقارن پایان دادگاه بدوی عده ای از وزرای دولت دکتر مصدق را بتدریج آزاد می کردند مانند مهندس داوود رجیبی که وصله تاجور کابینه بود، سپس علی مبشر کفیل وزارت دارایی او آخر حکومت و دکتر مهدی

۱. سرنیب آزموده می گفت هنوز جاسوسان دکتر مصدق برای او خبر و سند تهیه می کنند - مرا می گفت؟

آذر و دکتر صندیقی و دکتر ملکی و لطفی و دکتر اخوی آزاد گردیدند. جز پزشکان بقیه دولتمردان خانه نشین شدند و تحت نظر قرار گرفتند و روزگاز سختی می گذرانیدند. مراجعه به آنان مشکل شده بود و قادر به تهیه اسناد و مدارک نبودند. محافظه کاری بعضی از آقایان هم مزید بر علت شده بود.

لازم به اظهار می باشد که دکتر مصدق در تمام طول مدت گرفتاری در زندان و مستعانت محاکمه و جریان محاکمه در دادگاه نظراتش این بود که:

اولاً اتهاماتی که به وی طی ادعاینامه دادستان ارتش و یا در بیان آن و دفاع از ادعاینامه (به قول سرتیپ آزموده) و نسبتهای نابجا و خصمانه ای که از طرف آزمرده یا بدگویان و بدخواهان دیگر در جراید منتشر می کردند باسخگویی کند و اتهامات را رد کند.

ثانیاً طی دفاع خود یا بر شماری خدمات و کارهای خود در طول مدت خدمات دولتی، نمایندگی مجلس شورای ملی و بعداً در تشکیل دولت نقطه یا نقاط مجهولی در صداقت و خدمتگزاری خود به ملت باقی نگذارد و اصالت نهضت ملی و رسالت آنرا به اثبات برساند و بدگویان را رسوا نماید و تبلیغات سوء بر علیه دولت نهضت ملی و هدفهای آنرا نقش بر آب کند.

ثالثاً طی مدافعات شجاعانه دکتر مصدق می خواست بخصوص به تسلل جوان ارانه طریق کند و بفهماند که برای تحقق استقلال و آزادی فداکاری لازم است و برای آن باید بهای سنگینی پرداخت.

سور و هیجانش در جلسات بایانی دادگاه تجدیدنظر که ارتباطش با مردم به علت عدم انتشار دفاعیاتش در جراید قطع شده بود به نهایت می رسید. او آخرین کلامهایش را بر زبان می آورد، تاریخ حیاتش را ورق می زد و اصول عقاید و هدفهای خود را به صورت وصیت سیاسی تکرار می کرد و از این جهات روزهای آخر محاکمه اشتغالات فکری فراوانی برای او بوجود آورد. او می خواست که گفتیهها را بگوید گرچه تکرار باشد. دفاع در دیوان کشور چون منتشر نمی شد چندان مورد نظرش قرار نمی گرفت. در طول مدت به اصطلاح رسیدگی در دیوان کشور مطالبی جز مصاحبهها انتشار نیافت با اینهمه دکتر مصدق با ارسال لوایح به دیوان کشور و شکایت به وزراء دادگستری که تغییر می کردند و شکایت به رئیس دیوانعالی کشور، به دادستان دیوان کشور و شکایت به دادگاه انتظامی قضات و اعلام جرم و تقاضای اعاده دادرسی و... مبارزه را ادامه می داد. او در مبارزه پیگیر بود. بدون شک او آرزو داشته اقداماتش بعدها منتشر شود و در دسترس مردم قرار گیرد.

رابعاً عمده ترین ماده برنامه دکتر مصدق مثل همه دوره عمر سیاسی اش این بود که همه گفتههایش با جزئیات به استحضار ملت شریف ایران برسد و در جراید بدون تحریف و کسب و کاست منتشر شود و مورد قضاوت مستقیم مردم قرار گیرد. در دوره فرمانداری نظامی با محدودیتهای آن جریان داشتن چنین محاکمه بر سر صدایی مناسب ندانست. وقوف مصادر حکومت از انتشار گریه های دکتر مصدق و برقراری اختناق و شدت عمل، در کنترل بودن شدید جراید که گوش به فرمان بودند توأم با خودسانسوری آنها با انجام خواسته های دکتر مصدق تناقض زیادی داشت.

دکتر مصدق با این وضع به مقابله برخاست به صورت قریب در دادگاه، قهر در دادگاه که دفاع نمی کتم تا در جراید درج نشود، تهدید به اعتصاب غذا یا تمهد به اینکه گفتههایش یا هزینه خود دکتر مصدق در جراید

درج شود و عملی کردن اعتصاب غذا و بالاخره توفیق در مقصود. او بشرطی اعتصاب غذا را شکست و به قول خودش افطار نمود که قول دادند اظهاراتش در جرأید درج شود و منتشر گردد. البته چنان شد ولی نه به‌طور کامل. نظریه سیاسی دکتر مصدق که در جریان محاکمات بیان می‌کرد و می‌فهمیدم اجرای حکومت قانون بود بدون هرگونه تبعیض و کوتاه کردن دست اجانب و تأمین استقلال کشور و آزادی ملت. از این بیان که شاه باید سلطنت کند نه حکومت غرضش این بود که در چهارچوب قانون اساسی حکومت قانون اجرا شود. شاه در امر حکومت دخالت نداشته باشد تأکید او بر سلطنت نبود بر جلوگیری از حکومت شاه بود. او می‌گفت دست اجانب را یا ملی شدن نفت و شیلات و قطع رابطه با انگلستان و قطع نفوذ کنسولگریها و با بستن کنسولگریها باید قطع کرد و شروع به قطع نفوذ دربار نمود برای آنکه او می‌خواست پادشاه مملکت سلوب‌الاختیار باشد مثل پادشاه انگلستان میری از مسئولیت و بدون دخالت و کارشکنی در کار حکومت قانونی منتخب مردم. تشکیل هیئت هشت نفری از نمایندگان مجلس شورای ملی برای محدودیت اختیارات شاه بود. برای جلوگیری از اعمال نفوذ و سوء استفاده‌های خواهران و برادران و مادر شاه و اعوان و انصار شاه بود که در مجلس از طرف بعضی از همان اعضای هیئت هشت نفره سنگ اندازی شد و تصمیم هیئت هشت نفره به رأی گذاشته نشد. دکتر مصدق در شروع رسیدگی در دادگاه تجدیدنظر در درجه اول و به سه فوریت می‌بایستی به دو کار اقدام کند:

الف: تعیین وکیل

ب: در اجرای ماده ۲۲۶ قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب سال ۱۳۱۸ تهیه لایحه اعتراضیه به رأی دادگاه بدوی و تسلیم آن به دادگاه تجدیدنظر (این قانون توسط دکتر مصدق نسخ شده بود) دکتر مصدق ذیل دادنامه محکمه بدوی تقاضای فرجام کرده بود گرچه می‌دانست که فرجامش را در این مرحله نمی‌پذیرند و رسیدگی در دادگاه تجدیدنظر نظامی به او تحمیل می‌شود مع‌هذا خود را آشنا نمی‌کرد ولی ابلاغ رسمی دادگاه تجدیدنظر درباره تعیین وکیل و تسلیم لایحه اعتراضیه به تسامح او خاتمه داد. حال شرح این دو موضوع را در زیر می‌خوانیم:

### شرح و کالتم در دادگاه تجدید نظر نظامی

دکتر مصدق بارها در زندان به من می‌گفت که در این زندان دو کار در پیش داریم:

۱ - گذراندن جریان محاکمه.

۲ - ترتیب تنظیم وصیت‌نامه برای تنظیم امور مالی از حیث پرداخت دیون ناشی از دوره زمامداریم به بیمارستان نجمیه.<sup>۲</sup>

پس از صدور رأی محکومیت دکتر محمد مصدق در دادگاه بدوی نظامی به سه سال حبس مجرد، دکتر

۲. واقف بیمارستان نجمیه مادر دکتر محمد مصدق (بانو نجم‌السلطنه) و متولی بیمارستان اولاد ارشدش دکتر محمد مصدق بود که بعد از فوت او ثقت‌الدوله دیبا متولی گردید. سپس مهندس احمد مصدق اولاد ارشد دکتر محمد مصدق.

مصدق به من دستور داد به تیمسار سرلشکر عبدالله هدایت وزیر جنگ وقت مراجعه و تقاضا کنم ترتیبی بدهند که آقای سید حسن عنایت سردفتر اسناد رسمی شماره ۳۹ حوزه ثبت تهران (واقع در طبقه دوم ساختمان شمال غربی چهارراه حسن آباد جنوب اداره آتش نشانی) که از ارادت‌مندان خاص دکتر مصدق بود و نسبت سببی هم با او داشت در زندان حاضر شده و وصیتنامه تنظیم نماید.

به سابقه اینکه در سالهای بین ۱۳۲۰ و ۱۳۲۳ متناوباً با درجه سروانی سمت آجودانی<sup>۳</sup> سرتیب عبدالله هدایت آن‌زمان را دانستم و مورد نهایت محبت او بودم بدون اشکال در روز سه‌شنبه اول دیماه ۱۳۳۲ در دفتر ایشان به ملاقاتشان رفتم. خواسته دکتر مصدق را به اطلاع ایشان رساندم و چون موضوع مربوط به تقاضای یک نفر زندانی بود که در اختیار دادستانی ارتش قرار داشت جریان امر را تلفنی به سرتیب آژموده اظهار داشت. سرتیب آژموده گفته بود که بزرگمهر را پیش او بفرستد. روانه دادرسی ارتش شدم. دادرسی ارتش در جنوب شرقی باشگاه افسران مرکز در خیابان فروغی<sup>۴</sup> واقع بود. سرتیب آژموده بی آنکه اظهارات من را گوش کند به سابقه مذاکره با تیمسار هدایت با قیافه همیشه عیوس و با تشدد و حرکت دستها و دراز کردن دستهای فراز و استخوانی مرا مخاطب قرار داد و گفت: آقا چه کاره اید؟ کیف به دست اینجا و آنجا رفتوآمد می کنید؟

دادگاه بدوی تمام شد و شما دیگر کار و سمتی ندارید که دنبال کار دکتر مصدق افتاده اید. جواب دادم به اقتضای وکالت در تعقیب کارهای مربوط به دادگاه تجدیدنظر آقای دکتر مصدق هستیم؛ مراجعه به تیمسار هدایت هم به دستور موکلم می باشد که لوازم کار تنظیم وصیتنامه فراهم شود. اگر بنا باشد که وکیل ایشان نباشم اصراری در مراجعه نخواهم داشت. دفتر سرتیب آژموده را ترک کرده و بلافاصله به زندان دکتر مصدق رفته و جریان ملاقات با تیمسار هدایت و سپس سرتیب آژموده را اظهار و اضافه کردم آقا همان طور که بارها گفته‌ام تا موقعی که نگاهبانان زندان شما با سرتیره جلو مرا نگیرند و مانع ملاقات نشوند پیش شما می آیم. امروز احساس کردم که پایان دادگاه بدوی را عنوان کرده و وکالتم را پایان یافته تلقی کرده و دستور خواهند داد که مرا به زندان راه ندهند. از نظر خودم صریحاً عرض می کنم که آماده قبول وکالت جنابعالی در دادگاه تجدیدنظر می باشم. به اصطلاح اعلام قبولی نمودم:

دکتر مصدق در مقام مشورت عقیده داشت که من و یکی از افسران بازنشسته ارتش را به وکالت انتخاب کند و به نظر خودش مسئولیت لوٹ گردد که غرضش حفظ من از عواقب سوء و آزار و آسیب و گزند دستگاه بود؛

۳. آجودان یک اصطلاح سازمانی در ارتش است و سمت اینجانب انجام کلیه امور اداری و ابلاغ دستورات فرماندهی (نه مانی و نه آموزشی) دانشکده افسری از قبیل کلیه امور مربوط به افسران، دانشجویان، دانش‌آموزان، درجه‌داران، افراد وظیفه، آمار و امور دیوانه را که بعداً عنوان ستاد دانشکده افسری به خود گرفت برعهده داشتم.

۴. پس از انقلاب بهمن‌ماه ۱۳۵۷ جهت مقر ریاست جمهوری اسلامی نوسازی‌اش شروع شد و دو ساختمان جنوب شرقی و جنوب غربی (اداره نظام وظیفه عمومی ایران) را خراب و جزو حیاط و چمن‌کاری است.

شام سرتیپ بازنشسته غلامحسین نقدی<sup>۵</sup> را بر زبان آورد. سرتیپ نقدی برادر بزرگتر سپهبد نار اصغر نقدی بود که تقاضای دکتر مصدق را راجع به قبول وکالت در دادگاه بدوی نپذیرفت و به معرفی اینجانب از طرف ایشان منجر گردید و سعادت وکالت را نصیب من کرد.<sup>۱۱</sup>

اظهار نمودم که سرتیپ غلامحسین نقدی و خانواده نقدی وابسته و مأخوذ و زیارتی و محافظه کار و از این رو مثل برادرش بعید است که قبول وکالت نماید، به فرض قبول وکالت به علت نزدیکی او به دستگاه ممکن است از طرف دادستانی ارتس برای ملاقات دو وکیل با شفا قبول و محدودیتهایی قابل شوند. منجمه بگویند باید ملاقات متعده صورت گیرد و اگر یکی مرضی شود یا تعارض کند ملاقات صورت نگیرد و چه بسا راحتی فعلی و سهولت ملاقات که حالا جریان دارد مقدور نشود؛ مضافاً ممکن است تکالیف دیگری هم ایجاد نمایند از جمله وسیله ایاب و ذهاب من علی الظاهر جیب استیشن است که در اختیار خانم سماست من هم استفاده می‌کنم. خانم خریدار داد و دید و بازدید دارد و مرتباً برای زیارت به حضرت عبدالعظیم و حضرت معصومه مشرف می‌شود.<sup>۱۲</sup> من در روزهای تعطیل و غیر تعطیل به هر وسیله که شده خودم را به زندان می‌رسانم. کار دو وکیل با امکانات موجود و از حیث وسیله نقلیه و تطبیق زمان ملاقات با اشکال مواجه می‌شود. ای بسا در عمل گره‌های دیگری هم پیش آورند. عرض کردم بنده در اختیار جنابعالی هستم گفتم آقا کار من در دادگاه بدوی طوری بوده که با انتخاب دو وکیل گناهان غیر قابل گذشت من لوٹ شدنی نیست.<sup>۱۳</sup> خدا حافظی کرده زندان را ترک کردم و دست ایشان را برای انتخاب وکیل باز گذاشتم.

دکتر مصدق بلافاصله پس از قرائت رأی دادگاه بدوی بر اساس فوایح قانونی تصویب شده بر مبنای قانون اختیارات تقاضای فرجام نموده بود، نه تقاضای تجدیدنظر؛ با اینهمه به منظور اینکه سهولت تقاضای تجدیدنظر از رأی دادگاه بدوی نظامی را علیرغم غیر قانونی دانستن دادگاه تجدیدنظر نظامی که در مکاتبات و دفاعیات خود مکرر در مکرر اشاره و اظهار می‌کرد از دست ندهد و در آن دادگاه هم شرکت کنند و فرصت رسوا کردن هیئت حاکمه و بیان حقایق و رد اتهامات را داشته باشند و به قول خودش مشغول هم باشند به من دستور داد تقاضای تجدیدنظر کنم. من هم لایحه‌ای تنظیم و با شماره ۱۰ مورخ دوم دیماه ۱۳۳۲ بشرح زیر تقاضای تجدیدنظر نمودم.

۵. سرتیپ غلامحسین نقدی تحصیلکرده روسیه در رشته حقوق با درجه سرهنگی اداری و سالها ریاست دبیرستان نظام مرکز و خارج از مرکز را عهده دار و مدتی هم در جوان کفر کارکنان دولت به قضاوت مشغول بود مردی صریح و جدی و معتقد به مبانی اخلاقی تا درجه سرتیپی ارتقاء یافته بود. در دوره بازنشستگی او را به عنوان بازرس در هیئت مدیره بانک سپه مشغول کرده بودند.

می‌گویند از او پس از شهریور ۱۳۲۰ مدارک تحصیلی خواسته بودند؛ تعریف می‌کردند نوشته بود تمحصیلاتم در حدود تحصیلات سپهبد امیر احمدی.

۶. بعداً در کتاب مربوطه به مرحله فرجامی به نظر خوانندگان خواهد رسید که چگونه برای ملاقات وکلای سه‌گانه دکتر مصدق (آقایان بهرام منجدزاده کرمانی - حسین صدر - علی شهیدزاده) با موکلشان محدودیتهای بی‌پایان و مشروط و مضایقی پیش آوردند که صحت گفته‌های مرا در این مورد تأیید و ثابت کرد.

ریاست دادگاه تجدیدنظر وقایع ۲۵ الی ۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۲

محترماً معروض می‌دارد: موکلم جناب آقای دکتر محمد مصدق روی لایحه قانونی ۳۲۱۱/۱۶ تقاضای فرجام نموده است. این بنده نیز به وظیفه وکالت تسخیری خود از رأی دادگاه فوق‌العاده وقایع روز ۲۵ الی ۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۲ دایر به محکومیت موکلم به سه سال حبس مجرد تقاضای تجدیدنظر دارم و لوایح مربوطه را نیز در فرصت و مهلت قانونی تقدیم دفتر دادگاه خواهم نمود.

بزرگمهر

کسه ایسن لایحه روز سوم دیماه وارد دفتر دادگاه تجدیدنظر گردید دکتر مصدق نیز از طریق زندان به شرح زیر تقاضای تجدیدنظر نمود.

### تقاضای تجدیدنظر

در تاریخ سوم دیماه ۱۳۳۲ صورت جلسه مربوط به رأی دادگاه فوق‌العاده نظامی به اینجناب ابلاغ و تکلیف تجدیدنظر گردید. اینجناب همانطور که در ظهر ورقه رأی دادگاه نوشته اکنون نیز تکرار می‌کند:

«از این رأی خلاف قانون که از یک دادگاه غیر قانونی و بدون صلاحیت صادر شده بر طبق ماده ۵۹ لایحه قانونی دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۵ فروردین ماه ۱۳۳۲ که احکام دادگاه فوق‌العاده را قابل رسیدگی فرجامی می‌داند تقاضای فرجام می‌تایم. سی‌ام آذر ماه ۱۳۳۲»

به نظر خود یاقی و استوار هستم و تقاضای فرجام دارم ولی اگر اصرار هست که تمام جسرهای این محاکمه بر خلاف اصول و قوانین از دادگاه دیگر نظامی به نام دادگاه تجدیدنظر رسیدگی شود بدون اینکه ذکر این عبارات نسبت به حق فرجام اینجناب لطمه‌ای وارد کند و مانع جریان و تعقیب پرونده در دیوان کشور گردد ناگزیر تقاضای تجدیدنظر دارم.

۳ دیماه ۱۳۳۲ - دکتر محمد مصدق

دکتر مصدق به موازات ارسال شرح فوق لایحه دیگری به دادگاه تجدیدنظر می‌فرستد.

سوم دیماه ۱۳۳۲

دادگاه محترم تجدیدنظر

جناب آقای سرهنگ بزرگمهر از طرف دادگاه بدوی فوق‌العاده نظامی به سمت وکالت تسخیری اینجناب معین شده‌اند چنانچه دادگاه محترم با وکالت تسخیری ایشان موافقت فرمایند، کماکان وظیفه خود را انجام دهند و الا نظریات خود را مرقوم فرمایند تا هر چه زودتر تکلیف اینجناب معلوم شود.

دکتر محمد مصدق

دادگاه تجدیدنظر جواب می‌دهد



شماره ۹ ۳۲/۱۰/۶ شیر و خورشید وزارت دفاع ملی

جناب آقای دکتر محمد مصدق

باسخ نامه مورخه سوم دیماه ۱۳۳۲ که در تاریخ ۱۳۳۲/۱۰/۵ به دادگاه تجدیدنظر واصل گردیده در صورتی که جنابعالی شخصاً سرهنگ بزرگمهر را برای وکالت خود تعیین نمایید سانهی ندارد در غیر این صورت دادگاه وکیل تسخیری برای جنابعالی تعیین خواهد نمود.  
رئیس دادگاه تجدیدنظر وقایع ۲۵ الی ۲۸ مرداد ماه ۳۲ — سرلشکر جوادی

متعاقب نامه بالا به صورت اخطار

شماره ۱۰ شیر خورشید — وزارت دفاع ملی ۳۲/۱۰/۶

اخطار

به جناب آقای دکتر محمد مصدق اخطار می شود که پرونده اتهامی جنابعالی جهت رسیدگی به دادگاه تجدیدنظر ارجاع گردیده بنابراین شایسته است طبق ماده ۱۸۲ قانون دادرسی و کیفر ارتش وکیل مدافع خود را یک یا چند نفر از بین افسران و هم ردیف آنان تعیین و معرفی نمایید. در غیر اینصورت برابر ماده ۱۸۳ همان قانون وکیل تسخیری برای شما تعیین خواهد شد.  
رئیس دادگاه تجدیدنظر وقایع ۲۵ الی ۲۸ مرداد ماه ۳۲ — سرلشکر جوادی

دکتر مصدق جواب می دهد

هفتم دیماه ۱۳۳۲

تیمسار سرلشکر جوادی رئیس محترم دادگاه تجدیدنظر

در جواب مرقومه محترمه ششم جاری شماره ۱۰ زحمت عرض می دهد که جناب آقای سرهنگ بزرگمهر را اینجانب به سمت وکالت از طرف خود به آن دادگاه معرفی می نمایم.  
دکتر محمد مصدق

اخطار پشت اخطار

شماره ۱۴/ شیر و خورشید وزارت دفاع ملی ۳۲/۱۰/۷

جناب آقای دکتر محمد مصدق

شایسته است لوایح دفاعی مربوط به پرونده اتهامی خود را بر طبق مدلول ماده ۲۲۶ قانون دادرسی و کیفر ارتش<sup>۷</sup> از تاریخ ۳۲/۱۰/۷ در ظرف هفت روز تنظیم و به دفتر این دادگاه به منظور رسیدگی و اقسداً مقتضی ارسال فرمایند.

رئیس دادگاه تجدیدنظر وقایع ۲۵ الی ۲۸ مرداد ماه ۳۲ — سرلشکر جوادی

۷. به موجب ماده ۲۲۶ متهم یا وکیل مدافع در مهلت ۵ تا ۱۰ روز باید لوایح دفاعیه تسلیم نمایند.

### اخطاری دیگر به وکیل

شماره ۱۹ دادت شیر و خورشید وزارت دفاع ملی ۳۲/۱۰/۱۹

سرکار سرهنگ جلیل بزرگمهر

جناب آقای دکتر محمد مصدق سرکار را برابر نامه مورخ ۷ دیماه ۳۲ به سمت وکالت خود تعیین و معرفی نموده. شایسته است ضمن اعلام قبولی خود در دفتر این دادگاه واقع در اداره دادرسی ارتش حاضر و پرونده امر را مورد مطالعه قرار داده و آمادگی خود را تبرای دفاع گزارش نمایید.

رئیس دادگاه تجدیدنظر وقایع ۲۵ الی ۲۸ مرداد ماه ۳۲ - سرلشکر جوادی

### تقاضای مهلت وکیل

شماره ۱۱ - ۳۲/۱۰/۱۳

تیمسار ریاست دادگاه تجدیدنظر

محترماً معروض می‌دارد که در تاریخ ۳۲/۱۰/۱۹ قبولی وکالت جناب آقای دکتر محمد مصدق را اعلام داشته‌ام برای آنکه با مجاا کافی لایحه اعتراضی تقدیم گردد لذا تقاضاً دارم تا ۳۲/۱۰/۲۰ مهلت مرحمت شود.

سرهنگ بزرگمهر-رسید دفتر ۳۲/۱۰/۱۳

### اخطار باران - در یک روز به موکل و وکیل

شماره ۲۶ دادت شیر و خورشید وزارت دفاع ملی ۳۲/۱۰/۱۳ فوری

جناب آقای دکتر محمد مصدق

پیرو نامه شماره ۱۴ دادت - ۳۲/۱۰/۱۷ شایسته است لایحه دفاعی خود را تا آخر وقت اداری روز دوشنبه ۳۲/۱۰/۱۴ که روز خاتمه مدت مقرر می‌باشد تهیه و به دفتر دادگاه تجدیدنظر تحویل فرمایید.  
رئیس دادگاه تجدیدنظر وقایع ۲۵ الی ۲۸ مرداد ماه ۳۲ - سرلشکر جوادی

پاسخ دکتر مصدق ذیل این اخطار فوری

فرار است جناب آقای سرهنگ بزرگمهر لایحه تقدیم کنند البته تسلیم خواهند نمود.

۱۳ دیماه ۱۳۳۲ دکتر محمد مصدق

شماره ۲۷ دادت شیر و خورشید وزارت دفاع ملی ۳۲/۱۰/۱۳

سرکار سرهنگ جلیل بزرگمهر

پاسخ نامه ۱۱ - ۳۲/۱۰/۱۳ طبق نامه شماره ۱۴ - ۳۲/۱۰/۱۷ این دادگاه که به جناب آقای دکتر محمد

مصدق تسلیم گردیده جهت تنظیم لایحه دفاعی مدت ۷ روز وقت از تاریخ مذکور تعیین شده و همان ۷ روز وقت که ابلاغ شده قطعی است و نمی‌توان از آن عدول نمود. علیهذا شایسته است با مراجعه به موکل خود لایحه دفاعی مربوطه را تا آخر وقت اداری روز دوشنبه ۱۳۹۴/۱۰/۳۲ تنظیم و به دفتر دادگاه تجدیدنظر تسلیم نمایید.

رئیس دادگاه تجدیدنظر وقایع ۲۵ اثنی ۲۸ مرداد ماه ۳۲ - سرلشکر جوادی

### جواب وکیل

شماره ۱۲ - ۳۲/۱۰/۱۴ ریاست دادگاه تجدیدنظر وقایع ۲۵ اثنی ۲۸ مرداد ماه ۳۲ محترماً در اجرائی شماره ۱۲۷ د ت ۳۲/۱۰/۱۳ لایحه دفاعی خود را مشتمل بر ۱۲ برگ با نظر موکلم تهیه و بدینوسیله تقدیم می‌دارد.

سرهنگ ستاد جلیل بزرگمهر وکیل انتخابی جناب آقای دکتر محمد مصدق ۳۲/۱۰/۱۴ این لایحه اول وقت ۳۲/۱۰/۱۵ به سرهنگ ۲ شاکری منشی دادگاه تجدیدنظر تسلیم و رسیدگنی اخذ گردید.

غرض از ذکر عبارت با نظر موکلم در لایحه ۳۲/۱۰/۱۴ اولاً اعلام اتحاد نظر با موکل بود و ثانیاً بدین ترتیب موکلم از تسلیم لایحه‌ای جداگانه معاف می‌شد چون تنظیم لایحه دکتر مصدق تازه می‌بایستی مشروع می‌شد مجال هم نبود که بتواند و نمی‌خواست با اصطلاح دستش را رو کند که طرف هم جواب ضد آن را ندارد و بپسند بهر تقدیر مشکل و کالت دادگاه تجدیدنظر یا تحت فشار قرار دادن و در تنگنا گذاشتن وکیل و موکل پایان یافت و بهانه آزموده رفع شده که چکاره‌ام!

لایحه تنظیمی عصاره و چکیده‌ای از ایراداتی بود به دادنامه صادره که موکلم بعداً به تفصیل پرداخته و در جلسات دادگاه ایراد و عنوان می‌کرد. لایحه‌ام را می‌گذارم برای اولین جلسه دادگاه تجدید نظر نظامی که در جلسه نخست قرائت نمودم.

به طوری که ملاحظه می‌شود ماشین اداری با سرعت بی‌مانندی به گردش می‌افتد و متصدیان امر بدون فوت وقت این تشریفات را برای ایجاد مضایق بکار می‌اندازند ولی محاکمه در دادگاه تجدید نظر شروع نمی‌شود، تا اردیبهشت ماه ۱۳۳۳ که آنهم در اثر فشار دکستر مصدق و تهدید او به اعتصاب غذا و انجام اعتصاب غذا محاکمه آغاز می‌شود. رئیس دادگاه تأخیر رسیدگی در این مدت طولانی را در مصاحبه خود قطور بودن پرونده و لزوم وقت برای مطالعه پرونده عنوان می‌نماید.

### ورود وکلای غیر نظامی

در ساعت ده و پنجاه دقیقه بعد از ظهر روز دوشنبه سی‌ام آذرماه ۱۳۳۲ رأی دادگاه بدوی دایر بر محکومیت دکتر مصدق به سه سال حبس مجرد به وسیله منشی دادگاه قرائت شد. دکتر مصدق ذیل رأی دادگاه توضیح:

«به این رأی خلاف قانون که از یک دادگاه غیر قانونی و بدون صلاحیت صادر شده بر طبق ماده ۵۹ لایحه قانونی دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۶ فروردین ماه ۱۳۳۲ که احکام دادگاه فوق العاده را قابل فرجام می‌داند تقاضای فرجام می‌نمایم. دکتر محمد مصدق»

توضیح اینکه ماده ۵۹ لایحه قانونی مزبور مقرر می‌داشت «احکام دادگاه فوق العاده فقط قابل رسیدگی فرجامی است»

لازم به تذکر است که مدتها قبل از صدور رأی محکمه نظامی با اطمینان از محکومیت آقای دکتر مصدق در مذاکره و مشاوره بودیم که بر اساس ماده ۵۹ فوق‌الذکر فرجام خواهی نموده و بعد از ابلاغ رأی لوازم کار را از حیث تعیین وکیل یا وکلای غیر نظامی واجد شرایط تدارک ببینیم. مطلب را در همان اوان با مرحوم دکتر عبدالله معظمی که خود در تدارک امر بود و مقدمات را فراهم نموده بود در میان نهادم و بسا صلاحید دکتر عبدالله معظمی و تبادل نظر با آقای دکتر مصدق و تأیید ایشان در مورد انتخاب وکلای مشروحه زیر که قبلاً موافقتشان را دکتر معظمی جلب نموده بود توافق حاصل آمد.

۱ - آقای بهرام مجدزاده (نماینده دوره نهمدهم مجلس شورای ملی از کرمان وکیل دادگستری)

۲ - آقای حسن صدر

۳ - آقای علی شهیدزاده

که دو نفر اخیر الذکر از وکلای بناه و معروف دادگستری در تهران می‌باشند. یکروز قبل از اعلام رأی دادگاه و کائناتنامه دست نوشت مورخ ۲۹ آذرماه ۳۲ آقای دکتر مصدق را که به شرح زیر می‌باشند شخصاً به وکلای مزبور رساندم.

امضا کننده ذیل دکتر محمد مصدق که در مقام نخست و زبیری ابران بر اثر کودتای نظامی ۲۸ مردادماه ۱۳۳۲ بوسیله قوای نظامی دستگیر شده و زندانی هستم و در یک دادگاه نظامی غیر قانونی و بدون صلاحیت تحت محاکمه می‌باشم. وکیل نمودم آقایان محترم بهرام مجدزاده و علی شهیدزاده و حسن صدر وکلای دادگستری را متفقاً با منفرداً برای درخواست فرجام نسبت بهر قرار و حکمی که بر خلاف قانون از دادگاه نظامی غیر قانونی بر علیه این جانب صادر شود و برای تهیه و تقدیم لایحه اعتراضات فرجامی و بیان کلیه ایرادات مربوطه بغیر قانونی بودن دادگاه و عدم صلاحیت آن و اعتراضات مربوطه بجزریان محاکمه و صدور حکم و قرار و بطور کلی هر گونه ایراد و اعتراض قانونی و قضائی و برای تعقیب امر در دیوان عالی کشور تا خاتمه رسیدگی فرجامی - چنانچه دادگاه دیگری بعنوان دادگاه تجدید نظر که قطعاً و قهراً غیر قانونی خواهد بود برای محاکمه این جانب تشکیل شود آقایان محترم حسن صدر، علی شهیدزاده و بهرام مجدزاده نیز از طرف این جانب و کائنات دارند که بعنوان وکیل مدافع در آن دادگاه تجدید نظر غیر قانونی شرکت فرموده و با کلیه اختیارات لازمه قانونی از این جانب دفاع نمایند. بیست و نهم آذرماه ۱۳۳۲ دکتر محمد مصدق

آقای دکتر مصدق به اسناد ماده ۵۹ لایحه قانونی که بر اساس قانون اختیارات ایشان به تصویب رسیده و دارای اعتبار قانونی بود تقاضای رسیدگی فرجامی نموده و دادگاه تجدید نظر را صالح برای رسیدگی نمی‌دانست ولی چون حکومت کودتا به موجب تصویب نامهای این لایحه آقای دکتر مصدق را بی اثر

کرده بود لذا دادگاه با استناد به مواد قانون آیین دادرسی و کیفر ارتش منسوخه تقاضای رسیدگی فرجامی را نپذیرفت و دادگاه تجدید نظر را صالح برای رسیدگی اعلام کرد.

### اقدامات و کلای غیر نظامی برای تحقق دادن به رسیدگی فرجامی

قبل از اینکه به مطالب مربوط به جلسات دادگاه تجدید نظر نظامی وارد شویم لازم است فعالیتهای اقداماتی که وکلای غیر نظامی دکتر مصدق آقایان بهرام مجدزاده گرمائی، حسن صدر و علی شهیدزاده بلافاصله پس از صدور رأی محکومیت دکتر مصدق در دادگاه بدوی نظامی در دیوان کشور شروع نمودند و سپس در دادگاه تجدید نظر نظامی نیز از فعالیت باز نایستادند ذکر شود؛ بخصوص از این نظر که دکتر مصدق در جلسه اول دادگاه تجدید نظر نظامی به این مراتب اشاره کرده است.<sup>۸</sup>

با ورود در این مبحث فعالیتهای شجاعانه، جوانمردانه و پیگیر این آقایان را در سه مرحله باید یاد کرد: مرحله نخست: در حد فاصل صدور حکم دادگاه بدوی نظامی تا شروع رسیدگی در دادگاه تجدید نظر نظامی. مرحله دوم: تلاش به منظور حضور در دادگاه تجدید نظر نظامی و دخالت در دفاع در این دادگاه. مرحله سوم: وکالت در مرحله فرجامی با حضور در زندان دکتر مصدق و مشاوره در چند نوبت و تهیه لایحه فرجامی به امضاء وکلاء.

مطالب بندهای ۱ و ۲ مربوط به این کتاب است و مطالب بند ۳ در مجموعه دیگری به نام رسیدگی در مرحله فرجامی به قید حیات منتشر خواهد شد.

مرحله یکم: روزنامه کیهان در شماره ۳۱۶۹ دوشنبه هفتم دیماه ۱۳۳۲ عکسهای وکلای غیر نظامی دکتر مصدق را به نامهای آقایان حسن صدر، بهرام مجدزاده و علی شهیدزاده وکلای بینام دادگستری را گراور نموده و می نویسد:

«دکتر مصدق دیروز بوسیله سه نفر از وکلای دادگستری از دیوانعالی کشور تقاضای رسیدگی فرجامی نمود. وکالتنامه آقای دکتر مصدق یک روز قبل از اعلام رأی به آقایان وکلاء به منظور تعقیب امر در مرحله فرجامی تسلیم شده بود و آنان لایحه مورخه ۶ دیماه ۳۲ را تقدیم دیوان کشور نمودند. وکلای سه گانه با استناد به لایحه قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۶ فروردین ۱۳۳۲ و توجه دادن به ماده ۵۹ لایحه قانونی اشعار داشتند رأی دادگاه فوق العاده نظامی فقط قابل فرجام است».

روزنامه اضافه می کند:

«امروز وکلای دکتر مصدق با رئیس دیوان کشور ملاقات و مذاکره کردند. ظرف امروز و فردا لایحه وکلای مدافع برای رسیدگی به یکی از شعب جزایی دیوان کشور ارجاع خواهد شد.

۸. نامه ۱۷ فروردین ماه ۱۳۳۳ دکتر مصدق به دادگاه تجدید نظر نظامی و پاسخ شماره ۶۴/دت ۳۲/۱/۱۹ دادگاه مزبور به دکتر مصدق که بعداً به نظر خواهد رسید.

دادستان ارتش امروز گفت تقاضای فرجام دکتر مصدق بی اساس و غیر قانونی است و دادگاه تجدید نظر به کار خود ادامه خواهد داد.

دادستان ارتش امروز هم مشغول تنظیم لایحه اعتراضیه خویش بود. رئیس دیوان کشور دستور داد پرونده دکتر مصدق از دادرسی ارتش خواسته شوند.

متن لایحه ۶ دیماه ۳۲ دکلاهی غیر نظامی دکتر مصدق:

### دیوان عالی کشور

جناب آقای دکتر محمد مصدق که بر اثر وقایع ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در مقام نخست وزیر دستگیر و زندانی شده و سپس به معیت آقای سرتیپ نفی ریاحی در یک دادگاه فوق العاده نظامی و البته غیر قانونی و غیر صالح بوده تحت محاکمه قرار گرفته به موجب وکالتامه مورخ ۲۹ آذرماه ۱۳۳۲ به خط و امضاء معظم له به اینجانبان امضاء کنندگان ذیل وکالت داده است که از هر قرار و حکمی که از دادگاه مزبور و بر علیه ایشان صادر شود درخواست فرجام نمایم و اعتراضات وارده بر تشکیل و صلاحیت و جریان رسیدگی و قرار و حکم آن دادگاه را تهیه و به دیوان عالی کشور تقدیم و ناخاتمه رسیدگی فرجامی جریان امور را تعقیب کنیم.

از طرف دیگر در تاریخ ۳۰ آذرماه ۱۳۳۲ که دادگاه نظامی مزبور مبادرت به صدور حکم مبنی بر محکومیت معظم له به سه سال حبس مجرد نموده شخص آقای دکتر مصدق در هنگام اعلام رأی نسبت به حکم مزبور درخواست فرجام کرده که به خط خود در ذیل ورقه رأی نوشته و امضاء نموده اند.

بنابر این اکنون اینجانبان نیز به موجب این دادخواست نسبت به حکمی که برخلاف قانون و عدالت از دادگاه فوق العاده نظامی غیر قانونی و غیر صالح مزبور به محکومیت جناب آقای دکتر مصدق به ۳ سال حبس مجرد صادر شده و در ضمن آن نسبت به قرار صلاحیتی که قبلاً از آن دادگاه صادر گردیده طبق ماده ۵۹ لایحه قانونی دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۶ فروردینماه ۱۳۳۲ که به موجب آن احکام صادره از دادگاه فوق العاده نظامی فقط قابل فرجام است درخواست رسیدگی فرجامی مبتنایم و چون تهیه و تقدیم لایحه اعتراضات مربوط به تشکیل و صلاحیت دادگاه و رد قضات و دادستان و جریان رسیدگی و صدور قرار و حکم مستلزم مطالعه دقیق پرونده است و اینجانبان بواسطه عدم دخالت در جریان محاکمه در دادگاه نظامی از مندرجات پرونده بی اطلاعیم از این جهت تقاضا داریم بدو و قبلاً پرونده امر از دادگاه نظامی مزبور خواسته شده و در دسترس مطالعه اینجانبان قرار داده شود تا در حداقل فرصت مناسب لایحه اعتراضات فرجامی خود را تهیه و تقدیم داریم. ضمناً خاطر آن هیئت محترم را متذکر می داریم که چون محاکمه جناب آقای دکتر مصدق در دادگاه نظامی مذکور به معیت آقای سرتیپ ریاحی انجام شده و بموجب ماده ۵۷ لایحه قانونی دادرسی و کیفر ارتش

مصوب ۱۶ فروردینماه ۱۳۳۲ برای معاکمه افسران که درجه آنان از سرتیپی بالا باشد دادگاه نظامی فوق العاده تشکیل می شود از این جهت دادگاه فوق العاده نظامی محسوب است و بدین اعتبار طبق ماده ۵۹ لایحه قانونی مزبور حکم آن فقط قابل رسیدگی فرجامی است.

توضیح دیگری که فعلاً به عرض آن هیئت محترم می رسانیم این است که لایحه قانونی دادرسی و کیفر ارتش که در تاریخ ۱۶ فروردینماه ۱۳۳۲ به امضاء و تصویب جناب آقای دکتر مصدق رسیده مستند به اختیاری است که ایشان طبق بند ۷ از قانون اعطاء اختیارات شش ماهه مصوب مرداد ماه ۱۳۳۱ برای اصلاح قوانین دادگستری داشته اند و به موجب قانون تعدید مدت اختیارات مصوب ۳۰ دیماه ۱۳۳۱ تعدید گردیده است که لایحه مزبور بر حسب دستور قانون تعدید مدت اختیارات به مجلس شورای ملی تقدیم شده و به موجب نص قسمت اخیر قانون اختیارات مادام که تکلیف آن از طرف مجلس شورای ملی معین نشده لازم الاجرا است. البته برخاطر آن هیئت محترم پوشیده نیست که قوانین مربوط به سازمان قضائیتی و صلاحیت دادرسی و کیفر ارتش جزو قوانین دادگستری است و به همین جهت است که قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب سال ۱۳۱۸ از طرف وزیر دادگستری به مجلس شورای ملی تقدیم و از طرف مجلس به کمیسیون قوانین دادگستری ارجاع شده و بر حسب اختیاری که به موجب ماده واحده مورخه ۲۷ آبان ۱۳۱۸ از طرف مجلس شورای ملی برای اجرای لوایح دادگستری پس از تصویب کمیسیون دادگستری به وزیر دادگستری داده شده بود لایحه مزبور نیز پس از تصویب کمیسیون به عنوان قانون به وزیر دادگستری ابلاغ گردیده و به موقع اجراء گذارده است! همچنین قانون صلاحیت دادگاههای دائمی نظامی مصوب سال ۱۳۲۸ نیز به شرح فوق از طرف وزیر دادگستری تقدیم و به کمیسیون دادگستری ارجاع شده و پس از تصویب کمیسیون مزبور به موجب اجازه ماده واحده مورخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۲۸ به عنوان قانون ابلاغ و اجرا شده است و بدیهی است اگر قانون دادرسی و کیفر ارتش و قوانین مربوط به صلاحیت دادگاههای نظامی در غداد قوانین دادگستری محسوب نمی گردید نه از طرف وزیر دادگستری به مجلس پیشنهاد می شد و نه مجلس به کمیسیون دادگستری ارجاع می کرد و نه تصویب آنها از طرف کمیسیون دادگستری، منجوز قانونی اجراء آنها بدون تصویب مجلس شورای ملی به ابتکاء اجازه قانونی ماده های فوق الذکر تلقی می گردید. بطوری که بحث در این مطلب که قوانین دادرسی و کیفر ارتش جزء قوانین دادگستری است یا نه عیناً عاید به این مطالب می شود که قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ و همچنین قانون صلاحیت دائمی دادگاههای نظامی مصوب سال ۱۳۲۸ اصلاً و اساساً اعتبار و قوت قانونی دارد یا نه؟ یا اینکه مسئله به حد کافی روشن است مع الوصف برای مزید توجیه خاطر مستشاران معظم آن دیوان عالی اضافه می نماید که لایحه قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۶ فروردینماه ۱۳۳۲ که بایستی از طرف آقای دکتر مصدق به مجلس شورای ملی تقدیم می گردید در تاریخ

۱۳۳۲/۲/۲۰ و به شماره ۳۸۵۸ به مجلس شورای ملی تقدیم شده و از طرف مجلس شورای ملی دوره هفدهم به کمیسیون فوائین دادگستری ارجاع گشته و در حال حاضر در کمیسیون مزبور موجود است و به ردیف ۴۱ در فهرست لوایح و طرحهای معوقه در کمیسیون دادگستری که به شماره ۴۳۷ از طرف اداره مطبوعات و اطلاعات مجلس شورای ملی طبع شده ثبت می‌باشد.

با توجه به مراتب معروضه تقاضا داریم مقرر فرمایید پرونده امر از دادرسی ارتش مطالبه و در دسترس مطالعه اینجانبان گذارده شود تا لایحه اعتراضات قانونی بر قرار و حکم و جریان دادرسی را به آن دیوانعالی تقدیم نمایم.

به تاریخ پنجم دیماه ۱۳۳۴ بهرام مجدزاده وکیل دادگستری - حسن صدر وکیل دادگستری - علی شهیدزاده وکیل دادگستری.

وکلای نامبرده با آقای هیئت رئیس دیوان کشور نیز ملاقات کردند. در مصاحبه با دادستان ارتش راجع به فرجامخواهی وکلای دکتر مصدق چگونگی استفسار می‌شود پاسخ می‌دهد:

به نظر من نقاضای فرجام ایشان بی اساس و غیرقانونی است. دادگاه تجدید نظر کار خود را خواهد کرد و توجهی به این امور ندارد. تصور میکنم دیوانعالی کشور هم ترتیب اثری به عرض حال آقای دکتر مصدق ندهد.

در صفحه ۸ روزنامه کیهان به همان شماره می‌نویسد: دکتر مصدق سرهنگ بزرگمهر وکیل مدافع سابق خود را به سمت وکیل مدافع در دادگاه تجدید نظر تعیین کرد.

### دومین لایحه وکلای فرجامخواه

روزنامه کیهان در صفحات ۱ و ۲ شماره ۳۱۷۳ شنبه ۱۲ دیماه ۱۳۳۴ متن لایحه وکلای سه گانه را به این شرح درج کرده است:

### ریاست دیوان عالی کشور

پس از آنکه دادخواست فرجامی اینجانبان به وکالت از جناب آقای دکتر مصدق از دادگاه غیرقانونی و غیرصالح نظامی (به عنوان فوق العاده نظامی) در تاریخ ۲۲/۱۰/۳۲ تقدیم گردید فرمودید پس از ثبت در دفتر دستور ارجاع به یکی از شعب صالحه دیوان کشور را خواهید فرمود.

دادخواست مزبور به دفتر تسلیم و به شماره ۲۵۲۳۱ - ۲۲/۱۰/۳۲ ثبت گردید. ولی متأسفانه تا پایان وقت اداری آن روز مجال ارجاع نفرمودید. روز هفتم آقای رئیس دفتر اظهار



داشت که دستور فرمودید بدو پرونده مربوطه از دادرسی ارتش بر طبق معمول مسجی بر نقاضای ارسال پرونده تهیه و پس از باکتریس و امضاء و مهر، به دستور تلفنی آقای رئیس دفتر از ارسال آن خودداری گردید و هنگامی که جهت استعلام علت تأخیر به اطاق ایشان مراجعه کردیم معلوم شد که از کاخ دادگستری خارج شده‌اند.<sup>۹</sup>

روز هشتم آقای رئیس دفتر دستور تهیه نامه دیگری دادند که در متن آن مخصوصاً جمله (در صورت عدم احتیاج) جلب نظر می‌کرد که با توجه به اظهارات دادستان ارتش در مصاحبه با ارباب مطبوعات به اینکه پرونده را قبل از طی مرحله دادرسی تجدیدنظر و انجام تشریفات خاص دیگری به دفتر دیوانعالی کشور نخواهند فرستاد منظور آقای رئیس دفتر را از تعویض نامه و قید جمله برخلاف معمول مزبور روشن و واضح می‌تواند در صدد ترفیابی و عرض شکایت برآمدیم، لکن مناسفانه اشتغال جنابعالی به امور دیگر مجال ترفیابی به این جانب را نداد.

صبح روز نهم آقای رئیس دفتر اظهار داشت که تعویض نامه به دستور جنابعالی بوده و قبل از اینکه اینجانبان موفق به ترفیابی شویم به دادرسی ارتش فرستاده و به قول خودش اینجانبان را در مقابل امر اتجاها شده قرار داده است. صرف نظر از اینکه معمولاً در این قبیل نامه‌ها مخصوصاً در امور دادگاههای مستقر در مرکز قید جمله (در صورت عدم احتیاج) نمی‌شود رعایت اصل یازده متمم قانون اساسی و اصل عدالت ایجاد می‌شود در این مورد که بین فرجامخواهی که برخلاف قانون عدالت در زندان ارتش به سر می‌برد و دادستانی ارتش در مرجعیت دیوانعالی کشور و دیوان تجدیدنظر اختلاف نظر موجود است یعنی فرجامخواه مستنداً به یکی از مواد قانونی دادنامه را فقط قابل رسیدگی فرجامی می‌دانند و دادستانی ارتش مستنداً به قوانین منسوخه دادرسی ارتش مصر در تشکیل دادگاه تجدیدنظر است از طرف دفتر دیوانعالی کشور صراحتاً و اکیداً دستور ارسال پرونده به دیوانعالی کشور داده شود چه در صورت صدور قرار قبول دادخواست و احراز مرجعیت دیوانعالی کشور متهم برای مدت نامعلومی که قهراً جریان دادرسی تجدیدنظر و انجام تشریفات دیگر به طول خواهد انجامید در زندان به سر می‌برد و علاوه دادگاهی که قانوناً صلاحیت ندانست اساساً تشکیل نمی‌شد و بر فرض دوم یعنی با رد دادخواست فرستی از دادگاه تجدیدنظر که هنوز شروع به کار نکرده است فوت شده بود، بلکه با اطمینان به اینکه بالاترین مرجع قضائی کشور صلاحیت او را تصدیق کرده است به کار او میرداخت. اما با کمال تأسف دیوان کشور بدون توجه به استدلال فوق‌الذکر نامه مطالبه پرونده را به صورتی صادر کرده که با جواب منفی دادستانی ارتش مواجه گردید.

۹- رئیس دفتر دیوانعالی کشور آقای تقی خستو بود که بعدها رئیس یکی از شعب دیوان کشور شد سپس بازنشسته گردید و جوهر وکالت گرفت و بعد از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ از وکلای تصفیه شده گردید.

به طوریکه ملاحظه می‌فرمایید داستانی ارتش نه تنها به عذر داشتن احتیاج از ارسال پرونده خودداری نموده است بلکه اساساً در صلاحیت دیوان کشور برای خواستن و دیدن پرونده و تعیین تکلیف دادخواست و کلای جناب آقای دکتر مصدق و حتی در صلاحیت شخص آقای دکتر مصدق و کلای ایشان در تقدیم دادخواست فرجامی وارد بحث شده و نتیجتاً آن را نفی نموده و متأسفانه دیوان عالی کشور را دادگاه عمومی و مادون دادرسی ارتش تلقی و معرفی کرده است. ما تصور می‌کنیم که جناب‌عالی هم چون ما و سایر بستگان به دستگاه دادگستری به حیثیت قضائی و عظمت مقام عالیترین مرجع قضائی کشور اعتقاد و ایمان راسخ و علاقه‌مندی کامل دارید و در دستوری که ذیل این تقاضانامه صادر خواهید فرمود با صراحت تمام معلوم خواهید داشت که تعیین دادخواست فرجام جناب آقای دکتر مصدق هرگز موکول به موافقت و اجازه دادستانی ارتش نبوده و دیوان کشور وظیفه خود را می‌شناسد و رأساً و مستقلاً به آن عمل می‌کند و بالتبعه بدون تجمع و پرده پوشی قاطعیت خود را در اینگونه موارد به سایر مراجع قانونی تحمیل خواهید کرد.

در خاتمه یکبار دیگر تقاضا داریم به نام اجرای عدالت و برای جلوگیری از اطاله دادرسی در مرجعی که صلاحیت رسیدگی ندارد و کوناه کردن دوره بلا تکلیفی و زندانی بودن موکل محترم ما دستور فرمایید پرونده را بدون هیچ گونه قید و شرط از دادرسی ارتش مطالبه و مورد رسیدگی قرار دهند.

بهرام مجنذزاده - حسن صدر - علی شهیدزاده

در مجله روشنفکر صفحات ۴ و ۲۳ شماره ۲۷ سال اول مورخ دیماه ۱۳۳۲ تاریخچه‌ای از کشمکش و کلاه با دیوان کشور، بالاخص مصاحبه رئیس دفتر دیوان مزبور با مخبرین جراید را درج کرده که عیناً نقل می‌شود. [۳]

با وجود کوشش و فعالیت‌های دکتر مصدق نه پرونده به دیوان کشور ارجاع گردید و نه دادگاه تجدیدنظر شروع به کار کرد. در نتیجه دکتر مصدق خسته و افسرده از طول مدت بازداشت و بلا تکلیفی در عدم رسیدگی در دادگاه تجدیدنظر نظامی و وقوف از اینکه تلاش‌های وکلای غیر نظامی در اینکه دیوان عالی کشور پرونده دادگاه بدوی را خواسته و رسیدگی نماید قبول نشده و بی‌نتیجه مانده دلتنگ و کلافه لایحه‌ای معترضانه به شرح زیر ارسال داشت:

زندانی لشکر ۲ زرهی ۱۷ اسفند ۱۳۳۲

تیسار سرلشکر جواد ریاست محترم دادگاه غیرقانونی تجدیدنظر<sup>۱</sup>

در سی‌ام آذرماه که حکم محکومیت اینجانب در دادگاه غیرقانونی فوق‌العاده قرائت شد در همان جلسه

۱- دکتر مصدق با نوشتن ریاست محترم حفظ ظاهر کرد ولی اعتقاد خود را راجع به غیرقانونی بودن دادگاه تجدید

از حکم مزبور درخواست فرجام نمودم و روز سوم دیماه هم که به اینجانب تکلیف تجدیدنظر شد تقاضای تجدیدنظر هم به این شرط که مانع رسیدگی فرجامی نشود به عمل آمد. ولی دیوان کشور که بر طبق درخواست وکلای اینجانب پرونده را برای رسیدگی فرجامی خواست آقای سرنیمپ آزموده در نهم دیماه به دیوان کشور جواب نگاشت که از ارسال پرونده بواسطه ضرورت آن در دادگاه معذور است و این ظلم فاحش بود که در حق اینجانب روا داشت:

- ۱ - به پرونده احتیاج فوری نبود چون که دادگاه روز ۴ بهمن شروع به قرائت آن نمود.
- ۲ - درخواست فرجام دز سی آذر شده بود و درخواست تجدیدنظر در سوم دیماه در این صورت فرجام به تجدیدنظر حق تقدم داشت خصوصاً اینکه تقاضای تجدیدنظر به این شرط شده بود که مانع رسیدگی فرجامی نشود.
- ۳ - دیوان کشور و دادگاه تجدیدنظر هر دو باید در صلاحیت دادگاه بدوی یا فوق العاده رسیدگی کنند. محل نرید نیست دیوان کشور که صلاحیت آن محرز است به دادگاه تجدیدنظر که صلاحیت خود آن محل حرف و مورد اعتراض است اولویت داشت.
- ۴ - درخواست فرجام از نظر مسائل قانونی از جمله قانونی بودن تشکیل و عدم صلاحیت بود؛ رسیدگی به این مسائل مقدم است به رسیدگی در ماهیت که در تجدیدنظر رسیدگی می شود. چنانچه دیوان کشور نظر می داد که دادگاه نظامی برای محاکمه اینجانب صالح نیست موضوع منتفی بود و هیچ چیز اینجاب نمی کرد که دادگاه تجدیدنظر هم مثل دادگاه بدوی یا فوق العاده مرا برخلاف قانون مدتی در حبس مجرد معذب بدارد. با تمام این دلایل چون در جرایم می خواندم که ریاست محترم دادگاه تجدیدنظر و تیمساران، دادرسان می خواهند که در این دادگاه رأیی عادلانه و منصفانه بدهند و از این لحاظ پرونده را با دقت مطالعه می نمایند از ۴ بهمن که دادگاه تجدیدنظر شروع به قرائت پرونده نمود منتظر بودم هرچه زودتر تکلیف اینجانب را معلوم فرمایند ولی تا امروز که از صدور رأی محکومیت منجاوز از ۷۵ روز و از قرائت پرونده ۴۰ روز می گذرد تکلیف اینجانب معلوم نشده و کاسه حوصله و صبرم لبریز گردیده است و بیش از این نتوانستم در حبس مجرد سکوت اختیار کنم و چیزی در این باب عرض ننمایم. اینست که از آن تیمسار تعنا می نمایم پرونده امر را برای رسیدگی به درخواست فرجام اینجانب و وکلایم به دیوان کشور بفرستند تا بیش از این در حال بیاتکلیفی به سر نبرم.

دکتر محمد مصدق

سر نبرم

پاسخ

شماره ۵۴/ادت شیر و خورشید وزارت دفاع ملی ۱۳۲۲/۱۲/۱۹

نظر پنهان نکرد به عبارت دیگر با غیر قانونی دانستن دادگاه مزبور مراتب را علنی کرد. در شروع رتق و فتق دادگاه در موارد بعدی که غیر قانونی نمی نوشت سوال کردم گفت ما با این دادگاه مدتها سروکار خواهیم داشت، در تمام موارد که بطور نکراری نمی شود غیر قانونی نوشت فعلاً این دادگاه را علم کرده اند او هم خود را مشغول رسیدگی می کند.

### جناب آقای دکتر محمد مصدق

بازگشت به نامه مورخ ۱۳۳۲/۱۲/۱۷ که در تاریخ ۳۲/۱۲/۱۹ واصل گردیده اعلام می‌دارد پرونده مربوطه مطابق مقررات در تاریخ ۳۲/۱۰/۵ به این دادگاه ارجاع و طبق موازین قانونی تحت بررسی می‌باشد. ضمناً اشعار می‌دارد چون تقاضای جنابعالی در مورد ارسال پرونده به دیوانعالی کشور فعلاً مجوز قانونی ندارد لذا انجام آن برای این دادگاه مقدور نمی‌باشد.

رئیس دادگاه تجدید نظر نظامی وقایع ۲۵ ائی ۲۸ مرداد - سرلشکر جوادی

بشرحی که در جلسات رسیدگی خواهد آمد این بحث وسعت یافت و به جنجال کشید و به طوری که می‌بینید تغییری در وضع موکل (با انتخاب از طرف خود دکتر مصدق به وکالت می‌توانم موکل بگویم) داده شد.

### دخالت و کلای غیر نظامی در دادگاه تجدید نظر نظامی

در تاریخ ۱۷ فروردین ماه ۳۳ آقایان حسن صدر و علی شهیدزاده نامه‌ای به شرح زیر خطاب به رئیس دادگاه تجدید نظر مرقوم داشتند که منشی دادگاه به دستور رئیس دادگاه از دریافت آن نامه خودداری کرد:

ریاست محترم دادگاه تجدید نظر فوق العاده نظامی وقایع ۲۸ مردادماه

عطف بنامه شماره ۲۵ مورخ ۳۲/۱۰/۲۷ راجع به درخواست اینجانبان و کلاء جناب آقای دکتر محمد مصدق مبنی بر شرکت در جلسات محاکمه دادگاه تجدید نظر برای دفاع از معظم له طبق وکالتی که ایشان برای این منظور به ما تفویض فرموده‌اند مراتب ذیل را متذکر می‌گردم:

۱ - در روز بیست و چهارم دیماه ۱۳۳۲ که اینجانبان در اداره نظام وظیفه از جنابعالی ملاقات نمودیم و حضوراً لایحه خود را با رونوشت مصدق و عکس و کالتنامه تقدیم کردیم فرمودید که لایحه ما را در جلسه مقدماتی دادگاه تجدید نظر طرح و رسیدگی خواهید فرمود تا دادگاه تجدید نظر نسبت به آن تصمیم بگیرد ولی متأسفانه به جهات غیر معلومی به فاصله دو روز بدون اینکه لایحه و تقاضای اینجانبان در جلسه مقدماتی دادگاه مطرح شود و حتی در موقعی که اعضاء دادگاه بواسطه تغییرات و تبدیلات تکمیل نبوده‌اند شخصاً رد فرموده‌اید در صورتیکه برای جنابعالی نیز واضح است که هر تصمیم دادگاه باید از طرف دادگاه در جلسه‌ای که با حضور همه اعضاء آن تشکیل می‌شود اتخاذ گردد و مقام ریاست هیچ دادگاهی نمی‌تواند شخصاً به نام دادگاه و از طرف دادگاه تصمیم بگیرد.

۲ - برگرداندن اصل لایحه اینجانبان به هیچ وجه با اصول و موازین جریان اداری و قضائی موافق و سازگار نبوده است زیرا هر درخواست و تقاضائی که از طرف هر کس به یک مقام اداری و یا قضائی تقدیم شد و ضمیمه پرونده گردید ولو آن درخواست قبول نگردد قابل برگرداندن نیست و بایستی در پرونده امر مضبوط بماند و ما بسیار متعجب شدیم که جنابعالی

اصل لایحه ما را تیز پس فرستاده اید تا در پرونده امر برای ملاحظه سایر اعضاء دادگاه یا مقامات بالاتر قضائی و اداری موجود نباشد.

۳- در نامه جنابعالی مستند رد تقاضای اینجانبان مواد ۱۸۱ و ۱۸۲ و ۱۸۳ قانون دادرسی و کیفر ارتش ذکر شده در صورتی که بشرح لایحه ما همین مواد مورد استناد اینجانبان بوده است و طبق همین مواد ما ثابت و مدلل نموده‌ایم که برای شرکت و کسبای دادگستری در محاکم دادرسی ارتش برای دفاع از متهمین به هیچ وجه مانعی موجود نیست.

۴- به طوریکه در لایحه ما از نظر عالی گذشته است همان ماده ۱۸۱ اساس استدلال ماست و اطلاق ماده و اینکه در آن ماده قید نظامی بودن برای وکیل مدافع موجود نیست و اینکه اصطلاح وکیل مدافع هم صرفاً متوجه وکلای دادگستری می‌شود و تفل و حرفه ایشان دفاع است دلایل صحت نظریه ما می‌باشند که از آن ماده به دست می‌آید.

در باره ماده ۱۸۲ نیز بتفصیل توضیح داده‌ایم که منظور از آن حق دفاع منتهمین در محاکم نظامی است تا در مسائل تخصصی علاوه بر دفاع قضائی از دفاع فنی افسران ارتش نیز استفاده نمایند و به همین جهت است که آن ماده متهم را در انتخاب وکیل نظامی آزاد گذاشته و مجبور نکرده است. اما ماده ۱۸۲ مربوط به موردی است که متهم از تعیین وکیل امتناع کند و دادگاه بخواهد برای او وکیل مسخر تعیین نماید. البته در این صورت دادگاه نظامی می‌تواند فقط از بین افسران وکیل مسخر معین کند همانطور که در ماده اول قانون محاکمات جنائی مقرر شده در صورت امتناع متهم از معرفی وکیل مدافع دیوان جنائی دادگستری می‌تواند فقط از بین وکلای مجاز وکیل مسخر انتخاب نماید و علت آن اینست که چون قبول وکالت تسخیری برای وکیل الزامی است هر دادگاه حق دارد فقط از بین کسانی که ملزم به قبول امر آن هستند وکیل مسخر انتخاب کنند یعنی دادگاه دادگستری از بین وکلای مجاز که تابع آن هستند و دادگاه نظامی از بین افسران که ملزم به اطاعت دستور آن می‌باشند ولی این وضع به هیچ وجه مربوط به موقعی نیست که خود متهم وکیل انتخاب کند و در این حال همان طور که در دادگستری نص ماده اول قانون محاکمات جنائی متهم مختار است که از وکلای مجاز یا از غیر وکلای مجاز تعیین وکیل نماید در محاکم نظامی هم طبق مواد ۱۸۱ و ۱۸۲ متهم آزاد است در بین وکلای مدافع یا از بین افسران ارتش وکیل معرفی نماید.

اما راجع به ماده ۱۰ آئین نامه محاکم موقت فرمانداری نظامی، علاوه بر اینکه آئین نامه محاکم موقت نظامی اصلاً در محاکم دادرسی ارتش قابل استناد و استفاده نیست و در آن ماده نیز مطلبی که قابل استناد باشد وجود ندارد اصولاً باید متوجه بود که ماده ۱۰ مربوط به آئین نامه محاکم موقت فرمانداری نظامی است و آئین نامه در مقابل قانون هیچ وقت قابل استناد نخواهد بود زیرا آئین نامه نمی‌تواند نه نامسخ قانون باشد و نه مفسر آن و بنا بر این استناد به آن ماده هیچ تأثیری ندارد.

۵ - اکنون که ظاهراً قرار است محاکمه تجدیدنظر جناب آقای دکتر مصدق را در روز پنجشنبه نوزدهم فروردین ماه سال جاری شروع نمایند اینجانبان به استناد همان دلایل و توضیحات مشروحه در لایحه سابقه درخواست خود را برای شرکت در محاکمه تجدیدنظر و انجام وظیفه خود در دفاع از جناب آقای دکتر مصدق بدین وسیله تجدید و تکرار می‌کنیم و چون لایحه سابقه اینجانبان را برگردانده‌اید برای اینکه سایر اعضاء محترم دادگاه تجدیدنظر بتوانند از مفاد آن مستحضر شوند و جنابعالی نیز مجدداً آن را مطالعه فرمایید همان نسخه سابقه به ضمیمه عکس و رونوشت مصدق و کالتنامه خود را تقدیم می‌کنیم.

۶ - لازم است این نکته را برای خاطر محترم جنابعالی و قضات شریف دادگاه تأکید نمایم که طبق دلایل مشروحه در لایحه سابقه مسلم و قطعی است که جناب آقای دکتر مصدق حق دارند از وکلای دادگستری برای دفاع از خود در دادگاه نظامی کمک بگیرند و اصرار در امتناع از اجازه به اینجانبان برای شرکت در دادگاه تجدیدنظر. سلب حق دفاع از جناب آقای دکتر مصدق تلقی خواهد شد که طبق ماده اول قانون محاکمات جنائی موجب نقض حکم در مرحله فرجامی خواهد شد.

۷ - بر فرض اینکه باز آن دادگاه محترم بر این توهم پایداری نماید که در محکمه نظامی وکیل مدافع باید نظامی باشد، به اطلاع عالی می‌رسانیم که خوشبختانه دو نفر از ما (حسن صدر و بهرام مجدزاده) افسران و وظیفه هستند و بدیهی است این اشکال بهر تقدیر برای دو نفر از ما وجود ندارد.

۸ - بالاخره اگر آن دادگاه محترم تصمیم بگیرد که به هر فرض و تقدیر از شرکت وکلای دادگستری در دفاع از جناب آقای دکتر مصدق جلوگیری نماید، چون قهراً نمی‌تواند بگوید که حتی مشاوره با وکلای دادگستری هم برای منتهین محاکم نظامی ممنوع است اینجانبان تقاضا می‌نماییم که دستور فرمایید کارت ورودی جلسات دادگاه به اینجانبان داده شود تا مانند حضار دیگر و بدون شرکت در دفاع از دادگاه حاضر گردیم و در مواقع تنفس در مشاوره‌ای که جناب آقای دکتر مصدق از اینجانبان می‌نمایند نظریات خود را به ایشان اظهار نماییم. به تاریخ هفدهم فروردین ماه ۱۳۳۳ حسن صدر - علی شهیدزاده

در تاریخ ۱۷ فروردین ماه ۱۳۳۳ به موازات لایحه وکلای غیر نظامی، آقای دکتر مصدق نیز نامه زیر را به رئیس دادگاه تجدیدنظر مرقوم داشت:<sup>۱۱</sup>

۱۷ فروردین ماه ۱۳۳۳ از زندان لشکر ۲ زرهی

تیمسار سرلشکر جوانی رئیس محترم دادگاه غیرقانونی تجدیدنظر نظامی

آقایان حسن صدر و علی شهیدزاده وکلای مدافع اینجانب برای درخواست اجازه شرکت در جلسات

پاورقی در صفحه بعد